

گفت و گو



شرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

دریانوردان پرتغالی و آموزش زبان و ادب فارسی

گفت و گو با دکتر سپیده رادفر

آزیتا همدانی

شهره‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تاریخچه تدریس زبان و ادب فارسی در کشور پرتغال، با ورود خانم دکتر سپیده رادفر به این کشور رقم می‌خورد. ۱۱ سال پیش، در سال ۱۹۹۵، خانم رادفر، زمانی که به عنوان دانشجوی دکترای زبان‌شناسی، در فرانسه درس می‌خواند، به همراه همسرش، عازم کشور پرتغال و بنیانگذار رسمی تدریس واحد عمومی زبان فارسی برای مقطع کارشناسی رشته‌های دانشکده ادبیات دانشگاه لیسبون پرتغال شد. ایرانیان و پرتغالی‌ها یکدیگر را از طریق دریانوردان و کاشفان سرزمین‌های ناشناخته پرتغالی، که به تمام قاره‌ها سفر می‌کردند، می‌شناختند. خلیج فارس نشینان از اجدادشان، خاطره این دریانوردان را از دوره صفویه تاکنون، سینه به سینه حفظ کرده و آثار بر جای مانده از آنان را، به خصوص در جزیره‌های کیش و ابوموسی،

یاد آور حضور آنان در ایران می‌دانند. هم اکنون مدارک و اسناد وقایع نگاران این سفرهای دریایی، دست نخورده - مگر اندکی - در مراکز اسناد ایران و پرتغال موجود است. خانم رادفر یکی از محققان در این زمینه و از پاسداران زبان فارسی در این خطه از اروپاست. ایشان به دعوت مرکز گسترش زبان و ادبیات فارسی در اردیبهشت ماه ۱۳۸۴ جهت سخنرانی در سومین همایش تعامل ادبی ایران و جهان دربارهٔ: ترجمه لیلی و مجنون نظامی به پرتغالی به ایران آمد و با سعه صدر و روی خندان پاسخگوی سؤالات بی شمار ما از این کشور تقریباً ناشناخته و چگونگی وضعیت زبان فارسی در میان دانشگاهیان آنجا بود. گفت‌وگوی حاضر حاصل نشست دوستانه است که در اختیار شماست.

□ در ابتدا مختصری دربارهٔ خود و تحصیلاتان بفرمائید.

خیلی متشکرم و از این ملاقات خوشبختم. من تحصیلات عالی‌ام را در ایران شروع کردم، یعنی لیسانس زبان و ادبیات فارسی را از دانشگاه تهران در سال ۶۷ گرفتم و با معدل الف وارد کنکور فوق لیسانس شدم و با رتبه سوم در رشتهٔ زبان و ادبیات فرانسه، در دانشکدهٔ زبان‌های خارجی دانشگاه تهران پذیرفته شدم. پس از آن به مدت چهار سال در همین دانشکده، زبان و ادبیات فرانسه درس دادم و سپس برای اخذ درجهٔ دکتری، عازم فرانسه شدم. در فرانسه نیز دورهٔ فوق لیسانس آموزش زبان‌ها و فرهنگ‌های خارجی را گذراندم و پس از آن برای دکترای اقدام کردم و تحقیقاتم را در راستای آموزش و یادگیری زبان فرانسه به نوآموزان ایرانی، یعنی فارسی زبان و پرتغالی، یعنی پرتغالی زبان انتخاب کردم، به همین ترتیب دورهٔ دکترای ادامه دادم و از آنجا که همسرم پرتغالی بود، از سال ۱۹۹۵ به کشور پرتغال مهاجرت کردیم و الان ساکن پرتغال هستیم و یک دختر دارم.

□ پس از ورود به کشور پرتغال در مورد زبان و ادبیات فارسی و آموزش آن چه اقداماتی انجام دادید؟ از بدو ورودم، بلافاصله به دانشگاه کاتولیک لیسبون رفته و شروع به تدریس زبان و ادبیات فرانسه کردم و پس از آن عهده دار کرسی زبان شناسی و متون و آموزش زبان‌ها در این دانشگاه شدم. برنامهٔ آموزش زبان فارسی را به طور جدی پیگیری کردم و خوشبختانه همان موقع در دانشگاه دولتی و اصلی پرتغال نیز چنین پیشنهادی به من شد و از آنجا که بدون حمایت سفارت ایران در لیسبون نمی‌توانستم برنامه‌ام را عملی کنم، بالاخره پس از پیگیری‌های فراوان و گذشت سه سال، سفارت، نظر مثبت خود را اعلام کرد و به این ترتیب، کرسی زبان فارسی در دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه

لیسبون راه‌اندازی شد. دانشکده ادبیات این دانشگاه، از جهت معماری شبیه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران است و همین، حس ماندن و تلاش را در من بیشتر می‌کرد. در دو سال تحصیلی ۲۰۰۲-۳ و ۲۰۰۳-۴ زبان فارسی به عنوان دوره آزاد اعلام شد، ولی از سال تحصیلی ۲۰۰۴-۵ خوشبختانه به عنوان واحد عمومی در دوره لیسانس پذیرفته شد، یعنی تمام دانشجویان مقطع کارشناسی رشته‌های مختلف می‌توانستند زبان فارسی را جزء ۱۸ واحد عمومی خود انتخاب کنند. زبان‌های دیگری چون ترکی، بلغاری، لهستانی و هندو نیز در این دانشکده تدریس می‌شود. در حال حاضر در سال اول و دوم مقطع کارشناسی به ترتیب شش و پنج دانشجو، زبان فارسی را انتخاب کرده‌اند و خوشبختانه تاکنون همگی توانسته‌اند تا حدودی گفت‌وگو و نگارش را یاد بگیرند و همین باعث خوشحالی است.

□ دلیل علاقه دانشجویان به زبان فارسی را در چه می‌بینید؟

هر دانشجویی انگیزه خاصی در انتخاب واحد زبان فارسی دارد. می‌توانم بگویم یک یا دو دانشجو بر حسب اطلاعات قبلی، در انتخاب زبان فارسی به عنوان یک زبان شرقی دقت می‌کنند، بقیه می‌توان گفت تحت تاثیر تبلیغات ما در دانشگاه و کنجکاوی، زبان فارسی را انتخاب می‌کنند. امسال، خوشبختانه، به کمک سفارت ایران در لیسبون، ایران و زبان فارسی را با نگاهی ویژه معرفی و نمایشگاهی با عنوان "ایران" در دانشکده ادبیات برگزار کردیم. در زمان برگزاری نمایشگاه، دانشجویان در شرف انتخاب واحد بودند و همین زمان فرصت خوبی بود که نمایشگاه مورد توجه آنان قرار گیرد و خیلی‌ها ابراز علاقه و کنجکاوی کنند، عده‌ای نیز در جستجوی یادگیری زبان فارسی هستند و تحقیقاتشان را در راستای ایران‌شناسی انتخاب می‌کنند، از جمله دانشجویان تاریخ که بخش اعظمی از مطالعات آنان به ورود دربانوردان پرتغالی به ایران اختصاص دارد. مدارک زیادی هم اکنون در مراکز کتابخانه‌های پرتغال در این خصوص وجود دارد که هنوز جای تحقیق و بررسی دارد و می‌توان گفت در باره این بخش از تاریخ پرتغال سکوت اختیار شده است، در حالی که درباره هند و افریقا و روابط آنها با پرتغالی‌ها کتاب‌ها نوشته شده، البته من در کنار کلاس‌هایم، بخش ویژه‌ای از تحقیقاتم را به این امر اختصاص داده‌ام.

□ در این بخش از تحقیقاتتان به چه نتایجی دست یافتید و آیا توانسته‌اید در زدودن این هاله

تاریخی سهم‌ناک باشید؟

بله، به نتایجی دست پیدا کردم و با حمایت وزارت امور خارجه به زودی قرار است این نتایج به صورت کتابی منتشر شود، وزارت امور خارجه نیز با اعطای بورس به چند تن از محققین پرتغالی و

انجام تحقیقاتی در این زمینه و بررسی اسناد و مدارک، به این نتیجه رسیدند که وقایع نگاران پرتغالی در سفرهای دریایی، دریانوردان را همراهی می کرده و در قرون ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ میلادی در خلیج فارس و تنگه هرمز مستقر بوده و عده ای نیز به اصفهان مهاجرت کرده و به عنوان کشیش در کلیسای جلفا مستقر گشته اند. خانمی در پرتغال مراجع و مدارک این وقایع تاریخی را جمع آوری کرده و یکی از برنامه های من در حال حاضر ترجمه این اسناد به زبان فارسی است که قرار است در مرکز اسناد وزارت امور خارجه ایران جمع آوری و نگهداری شود.

□ مطلع شدیم **لیلی و مجنون** نظامی را به پرتغالی ترجمه کرده اید، ضمن توضیحاتی در این خصوص، بفرمائید از میان این همه شاهکار ادب فارسی چرا لیلی و مجنون و آیا مستقیم از نظم نظامی استفاده کرده اید؟

رساله های فوق لیسانس و دکتری ام در فرانسه، به شیوه های آموزش زبان های خارجی اختصاص یافته است. در این تحقیقات، مطالعاتم درباره جدیدترین روش های خواندن متون به زبان خارجی و در واقع مهم ترین علاقه تحقیقی ام، یعنی آموزش زبان بوده است. عنوان رساله دکتری ام **تئوری شناخت روان شناسی و زبان شناسی متون و مقایسه ساختار متون در زبان های مختلف** است که البته من سه زبان فارسی، فرانسوی و پرتغالی را برای مطالعه انتخاب کرده ام. در دوره کارشناسی ارشد در ایران نیز درباره **تعهد اجتماعی نویسندگان فرانسوی در قرن ۱۹** رساله نوشتم.

□ از تحقیقات و تألیفات خود در دیگر زمینه ها و در مورد رساله های تحصیلی تان صحبت کنید؟

قبل از پاسخ به این سؤال، خوب است عرض کنم که معرفی نقش زبان فارسی و ایران در ترویج فرهنگ اسلامی، یکی از اهدافم در یک کشور اروپایی بوده و هست. در مقاله ای که در مجله دانشکده ادبیات دانشگاه لیسبون پرتغال با عنوان: **زبان فارسی، زبان دوم امپراطوری اسلام** منتشر کردم، این نکته را تأکید کردم که معرفی دنیای اسلام، آن هم بدین شیوه - که خوب و فراگیر است - مختص به زبان عربی یا کشورهای اسلامی نیست، بلکه زبان فارسی - زبان دوم جهان اسلام - نقش به سزایی در این باره بر عهده داشته و دارد و همانظوری که می دانید اصل داستان لیلی و مجنون عربی، اما رنگ و بو و شاخ و برگ آن از زبان فارسی گرفته شده است، از طرف دیگر باید متأسفانه اشاره کنم که سال هاست از ادبیات معاصر ایران بی خبرم، بنابراین به خودم اجازه ندادم که در میان ادب امروز ایران، متنی از نظم یا نثر برای معرفی به یک پرتغالی انتخاب کنم. پس به سراغ ادبیات کلاسیک ایران رفتم، انتخاب ساده نبود و البته باز خود را در حدی ندیدم که به تنهایی دست به چنین

کاری بزنم، از طرف دیگر می‌خواستم اثری برگزینم که قرابت فرهنگی در جهان ایران و اسلام را بشناساند، بر حسب اتفاق با خانم فریده گلبو آشنا شدم که لیلی و مجنون نظامی را به نثر سلیس و روان فارسی برگردانده بود و این، ترجمه متن را برای من راحت‌تر کرد؛ لذا با کمک از نظم فارسی و متن برگردانده شده به نثر، به ترجمه آن دست زدم و خوشبختانه بازتاب خوبی در پی داشت و ان‌شاء الله به زودی چاپ خواهد شد.

□ ضرورت تحقیق در زمینه آموزش زبان‌ها و خواندن متون را در چه می‌بینید؟

چهار سالی که در ایران زبان فرانسه تدریس کردم، به تجربه دریافتم هر زبانی سرزندگی، پویایی و جاننداری خاصی دارد، نمی‌توان یک تئوری خاص را برای آموزش چند زبان به کار برد و هر زبانی به آموزش خاصی نیاز دارد. پس از آن در فرانسه در رشته آموزش زبان‌های خارجی تحصیل و سپس به پرتغال مهاجرت کردم. ارتباط نزدیک با گویشورانی دیگر و مطالعه نظریه‌ها و تحقیقات متخصصین زبان‌شناس، باعث شد نسبت به این مسئله جدی‌تر بیاندیشم. از طرف دیگر، سفارت ایران در لیسبون، تعدادی کتاب آموزش زبان‌های خارجی در اختیارم گذاشت و با مطالعه آنها دریافتم که هیچ کتاب آموزشی، کامل نیست و به فراست، به فکر تهیه نظریه‌های خاص برای تدریس زبان‌های خارجی افتادم. در مرحله اول میدان مطالعه من زبان فارسی و مخاطبان پرتغالی بود، لذا کتاب‌های آموزشی - که البته توسط مولفین گرانقدری نیز تهیه شده بود - را کنار گذاشته و جزواتی مناسب با سطح مخاطبانم تهیه کرده و در کلاس درس عملاً، نظریه‌هایی جدید پیاده کردم، خوشبختانه ثمره این کار در سال دوم و سوم تدریس به وضوح مشاهده شد. در سال اول تدریس، از آنجا که به متون آموزشی در دسترس اکتفا کرده بودم و زبان فارسی را - با وجودی که زبان مادری‌ام بود - برای اولین بار تدریس می‌کردم، مشکل‌ترین سال تدریس و کنار آمدن با آن کمی برایم مشکل بود، در آن وقت بود که متوجه شدم تدریس هر زبانی شیوه خاص خود را دارد و به این نکته پی بردم که آموزش زبان فارسی به یک انگلیسی زبان به گونه‌ای و به یک پرتغالی زبان به گونه‌ای دیگر است، از طرف دیگر، دستور زبان پرتغالی سنگین است و تطبیق ساختار جملات و نحو و آوای کلام و دیگر امور این زبان با زبان دیگر می‌تواند تا اندازه‌ای مخاطب زبان‌آموز را جذب کند. توجه مخاطب زبان‌آموز به اشتراکات زبان مادری و زبان خارجی و سپس نمایاندن تفاوت‌ها، از نظریه‌های زبان‌آموزی امروز اروپاست که با به کارگیری این شیوه نیز موفقیت بیشتری در تدریس به دست آوردم، از طرف دیگر، همان‌طور که اشاره کردم - زیاد وفادار بودن به متن موفقیت‌آمیز نیست و تلاش‌های فردی نیز نتیجه‌بخش است. در حال حاضر در حال تدوین جزوه‌ای با یکی از اساتید ایرانی - که مدتی نیز

در برزیل زبان فارسی تدریس می‌کرد - هستیم، شاید در آینده از این طریق آموزش را راحت‌تر و مخاطب را علاقه‌مندتر کنیم.

□ به نظر شما تألیف کتابی در زمینه آموزش زبان فارسی خاص پرتغالی‌زبانان ضرورت دارد؟
بله، البته، خوشبختانه باید بگویم از آنجا که قرابت‌های زبان پرتغالی و فرانسوی و همچنین زبان‌های اسپانیایی و ایتالیایی با این دو فراوان است، تألیف کتابی برای مخاطبین این چند کشور کافی به نظر می‌رسد. همان‌طور که اشاره کردم جزواتی در خصوص آموزش زبان فارسی به مخاطبان این چند کشور فراهم کرده‌ام که امیدوارم در آینده به صورت کتاب منتشر شود و در این زمینه مثمر ثمر باشد.

□ پرتغالی‌ها، خصوصاً اندیشمندان پرتغالی، با ایران و ادبیات ایران تا چه میزان آشنایی دارند؟
بیشتر شرق‌شناسان و دانشگاهیان این کشور، ادبیات ایران را با خیام و ترجمه پرتغالی آن از انگلیسی می‌شناسند. از حافظ بسیار کم شناخت دارند و آنان نیز کسانی‌اند که در دیگر کشورهای اروپایی، در رشته‌های مرتبط تحصیل کرده‌اند، اما خوشبختانه، سینمای ایران، در میان جوانان امروز پرتغال، بسیار پرجاذبه و شناخته شده است. کافی است در بخش آگهی رسانه‌ها، پخش فیلمی از ایران اعلام گردد، به دنبال آن، سالن‌های تماشا از تماشاچی پر می‌شود. می‌توان گفت در حال حاضر، بهترین معرف فرهنگی ما در کشوری مانند پرتغال، سینما است. بیشتر جوانان، شیفته کارهای کیارستمی و پس از آن مخملباف‌ها (پدر و دختر) هستند. کیارستمی سال گذشته به پرتغال آمد و استقبال بی‌ظنیری از او شد. یکی از برنامه‌های من در آینده، برگزاری هفته سینمای ایران در دانشکده ادبیات دانشگاه لیسبون است. در این هفته فیلم‌هایی از ایران نمایش می‌دهیم و پس از آن با دانشجویان به نقد و بررسی آن - نه از جهت تکنیکی و سینمایی - بلکه از جهت فرهنگی و زبانی می‌پردازیم. در این مورد حمایت مراکز مسئول بسیار کارساز است.

□ فکر می‌کنید مهم‌ترین حمایتی که مراکز مسئول در ایران در زمینه ترویج زبان، ادبیات و فرهنگ ایرانی در پرتغال می‌توانند بکنند چیست؟

سفر به ایران، دانشجویان، حتی اگر یک هفته به ایران بیایند و با مردم مستقیماً در ارتباط باشند، زبان‌آموزی آنان بسیار پیشرفت خواهد کرد. به جرأت می‌توان گفت، یک هفته حضور در ایران، برابر با یک ترم تحصیلی در آن کشور است، حتی اگر این سفر در ایام تعطیلی دانشگاه‌ها باشد و دانشجویان ما بتوانند در خوابگاه‌های دانشجویی مستقر شوند بسیار مفید است. طرحی در دست بررسی داریم و

می‌خواهم دانشجویان و همکارانم را - که هیئت مرکب از ۸۰ نفر خواهد شد - در سفر به ایران همراهی و راهنمایی کنم و قرار است با اتوبوس از تهران تا هرمزگان و سپس از کشتی پرتغالی‌ها در جزیره زیبای کیش و در برگشت از شهرهای کرمان، اصفهان، کاشان و ... دیدار کنیم، اما این کار، بدون حمایت دولت ایران به خصوص از نظر هزینه کمی مشکل است. در بازگشت از این سفر تاریخی، قرار است نمایشگاهی مفصل و عینی در دانشگاه دایر کنیم و مسلماً در آن وقت دانشجویان بیشتری جذب زبان و فرهنگ ایران خواهند شد. همچنین غنی‌برپا کردن هفته فرهنگی ایران، با کمک مرکز گسترش زبان و ادبیات فارسی نیز مؤثر است. اعزام نوازندگان، خوانندگان، شاعران و داستان‌نویسان، سینماگران و زبان‌دانانی از ایران، جهت اجرای برنامه در این هفته بسیار کارساز است. موردی که به آن پی برده‌ام و ممکن است بسیار پیش پا افتاده باشد، پخش آگهی‌های بازرگانی ایران به زبان فارسی در پرتغال است. این امر تأثیری مستقیم در یادگیری و شیوهٔ مکالمه دانشجویان دارد، علاوه بر اینکه، ترویج فرهنگ ایرانی به راحتی از این راه امکان‌پذیر است. در سفر اخیرم به ایران، بسیاری از این آگهی‌ها را - به منظور استفادهٔ آموزشی - از تلویزیون ایران ضبط کردم. نکته پایانی که لازم می‌دانم در اینجا عرض کنم، کمبود کتاب و هر نوع نشریه ایرانی در قفسه‌های کتاب‌خانه‌های پرتغال است. واقعاً در این زمینه در تنگنا هستیم. سال گذشته سفارت ایران در لیسبون، کتاب‌هایی را به دانشکدهٔ ادبیات اهدا کرد. این کتاب‌ها سپس به دفتری به نام دفتر تحقیقات اسلامی انتقال یافت، متأسفانه ورود به این دفتر بسیار مشکل است و مسئول آن همیشه در آنجا نیست و بیشتر اوقات بسته است، بنابراین دانشجویان ما از همان اندک کتاب هم محروم شدند، تا اینکه با هزینهٔ شخصی کتاب‌هایی از ایران را خریداری کردم و در دفتر کارم، در دانشکده، در اختیار دانشجویان قرار دادم و بسیار مفید واقع شد، لذا تقاضا دارم در این زمینه ما را دریابید.

□ از شما بسیار سپاسگزارم، امیدوارم تلاش‌های شما منجر به تأسیس کرسی زبان و ادبیات فارسی در کشور پرتغال شود.

من هم از شما بسیار سپاسگزارم و خیلی خوشحالم که مواردی را که ذکر کردم در نشریهٔ شما به گوش خوانندگان می‌رسد و امیدوارم مثمر ثمر واقع شود.

